

اطلاع از اوضاع جهان اسلام يك وظيفه اسلامى

اطلاع از اوضاع جهان اسلام يك وظيفه اسلامى

استاد محمد واعظ زاده خراسانى

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن نورانى رسول اكرم صلّى الله عليه وآله وسلم كه فرمود:

«من اصبح و لا يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم»(1).

اهتمام به امور و شؤون و مسائل مسلمانها را بر هر مسلمانى تا آن حدّ فرض و حتمى دانسته كه ترك آن را ملازم و مرادف با مسلمان نبودن مى داند. مسلمانهاى بى درد و بى اطلاع از وضعيت برادران و خواهران مسلمان خود و از ملتهاى اسلامى و از آلام و مصائب و گرفتاريهاى آنان صرفاً نامشان مسلمان است، هرچند به وظيفات فردى خود هم عمل كنند، اما در حقيقت عضو زنده و مؤثرى از امت اسلام محسوب نمى شوند.

البته اين بى اطلاعى خود يك مصيبت و يك فاجعه است، اما مهمتر از آن اين است كه غالباً مسلمانها از

وجود چنین فریضه الهی در شریعت اسلام، بی خبرند تا برای خود مسؤولیت احساس نمایند.

بلی اگر اسلام یک حقیقت عینی است - که هست - پس باید این حقیقت با همه آثار و لوازم و خاصیتهايش، در جامعه اسلامی و در وجود فرد فرد مسلمانها تحقق عینی

1 - اصول کافی 2: 163.

-(162)-

پیدا کند تا «اسلام راستین» و بنا به گفته امام خمینی رضوان الله علیه «اسلام ناب محمدی» عملی گردد.

مسلماناً اهتمام به امور مسلمین هدف عمده اش، و یا به تعبیر بهتر، روشنترین مصادیقش همانا نصرت و یاری رساندن و رفع محرومیتها، ظلمها و ستمها، فقرها و مرضها و زدودن کمبودها و نقصها از مسلمانان است، تا برسد به سطح امت مطلوب اسلامی یعنی امت برتر که در حدیث دیگر بیان شده است:

«الاسلام یعلو ولا یُعلی علیه».

بلی باید مسلمانها از لحاظ فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی، رفاه فردی و اجتماعی، و مسلماناً از لحاظ سیاسی امت و ملت برتر باشند تا گفتار خدای تعالی: «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (1)، عینیّت پیدا کند.

حال، این دو امر: یعنی اهتمام به امور مسلمین و یاری رساندن به آنان متوقف بر امر سومی است و آن، شناسایی و معرفت مسلمانها و اطلاع کامل از وضعیّت آنان است.

بلی، اطلاع از حال مسلمین، ولو از باب مقدمه واجب هم که باشد، خود یک واجب و فریضه اجتماعی است و آحاد مسلمین اعم از حاکم و محکوم و امام و رعیت و عالم و جاهل و افراد و ملتهای مسلمان همه در این تکلیف الهی شریکند، و هیچ طبقه و صنفی از آن مستثنی نیستند و به اصطلاح یک واجب عینی است نه کفایی. اما یک واجب مقدمی و غیری نه واجب ذاتی.

بلکه می توان گفت: اطلاع از وضعیت مسلمانان، خود از مصادیق بارز و آشکار (اهتمام به امور مسلمین) است. زیرا اهتمام صرفاً یک تکلیف باطنی و قلبی نیست بلکه مراحل عملی آن نیز، اهتمام شمرده می شود. بنابراین، علاوه بر (وجوب مقدّمی و غیره) وجوب ذاتی و اصیل هم دارد همان طور که علاوه بر وجوب کفائی، وجوب عینی هم دارد.

1 - سوره نساء: 141.

-(163)-

ما چطور می توانیم به درد دل مسلمانها برسیم و به امور آنها اهتمام بورزیم، در حالی که از حال ایشان، بلکه حتی از وجود آنان و جا و مکان و منطقه جغرافیایی ایشان خبر نداشته باشیم؟

من در عمر خود و در آثار قلمی و مقالاتی که نوشته ام به این مساله یعنی شناخت جهان اسلام، اهمیت داده و می دهم و غفلت از آن را گناه می دانم. در حدود 22 سال پیش، یک سفر یکساله علمی به چند کشور اسلامی و عربی مانند ترکیه، سوریه، اردن، الجزایر، مغرب و از همه طولانی تر مصر کردم و گزارش سفر خود را به عنوان «گزارش از چند کشور اسلامی و عربی» طی مقالاتی مسلسل، در مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد نوشتم، و پس از آن نیز در سفرهای متوالی و شرکت در برخی از کنفرانسهای علمی سعی می کردم از وضعیّت کشور مورد بازدید خود ولو به اختصار مطلبی بنویسم.

بلی، اطلاع از وضعیت مسلمانها یک وظیفه است، که از خانواده و همسایه و همشهری و هموطن و همکیش آغاز می شود تا برسد به ملّتها و کشورها و مذاهب دیگر اسلامی.

اطلاع از مذاهب دیگر، بخصوص این نتیجه را دربر دارد که بسیاری از بدبینیهای موجود میان مسلمانها را از بین می برد، کما این که اطلاع از محرومیتها و ناکامیها و ستمهای ملتهای اسلامی، عواطف مسلمانها را به سود برادران و خواهران مسلمان خویش برمی انگیزد و به فکر کمک رسانی به آنان می اندازد.

یکی از سنتها و دست آوردهای بسیار با ارزش انقلاب شکوهمند اسلامی ایران همین همدردی با ملّتهای

مصیبت دیده اسلامی و همین احساسات گرم مردم ما است، که نسبت به آنان، ابراز می‌دارند. تظاهرات سالانه روز قدس و راه پیمایی میلیونی ملّت ما بخاطر مردم بوسنی و هرزگوین و تظاهراتی از این قبیل، و همچنین برگزاری کنفرانس‌هایی

—(164)—

از قبیل کنفرانس دفاع از انتفاضه فلسطین در همین مقوله می‌گنجد. و به همین خاطر بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و نیز رهبر انقلاب و دولتمردان جمهوری اسلامی به این مساله یعنی حوادث جهانی اسلام و قرار دادن مردم در جریان آن حوادث و همدردی با مسلمانان جهان، بسیار اهمیت داده و می‌دهند.

به نظر می‌رسد این قبیل تظاهرات به چهار دیواری کشور ما محدود نمی‌شود و خواهی نخواهی به سایر کشورهای اسلامی سرایت می‌نماید، کما اینکه روز قدس اینک در جهان اسلام، جای خود را باز کرده و سایر مسلمانان هر سال تا حدّی که قدرت دارند و دولتهای حاکم بر آنها اجازه می‌دهند، با برادران و خواهران خود در ایران همگامی نشان می‌دهند.

باری، اگر اطلاع از حال مسلمانان همانطور که گفته شد به عنوان (واجب ذاتی یا مقّدمی) یک فریضه است باید دید مسلمانها از این تکلیف اسلامی، تا چه حدّ غافل بوده و هستند؟ یک نمونه این غفلت همین مساله بوسنی و هرزگوین است که مسلماً قبل از مطرح شدن این فاجعه، بجز افراد معدودی از علما و دانشمندان و طیفه شناس و برخی از جغرافیدانان، غالباً مسلمانها از وجود چنین مجتمع اسلامی در مرکز اروپا خبر نداشتند، و به طریق اولی از مخاطرات و تهدیدهایی که از سوی دو گروه مسیحی رقیب و دو نژاد متعصب؛ یعنی صربهای ارتدوکس، و کرواتهای کاتولیک، متوجه این مظلومان تاریخ است، بی اطلاع بودند.

همانطور که گفتیم، این بی اطلاعی و غفلت، گناهی نابخشودنی است و طبعاً مسؤولیت آن در درجه اول دامنگیر علما و دانشمندان و حاکمان و فرمانروایان جوامع اسلامی است، که متأسفانه شاید بسیاری از آنان خود در بی خبری از جهان اسلام به سر می‌برند، و این بی خبری را هم قصور و تقصیری برای خود نمی‌دانند.

دسته اوّل یعنی علما و پیشوایان مذهبی، به جای این که از مطالعه کتاب الهی و

سنت نبوی و سیر در آثار و تواریخ اسلامی، به چنین وظیفه حیاتی پی ببرند و مسلمانان را از آن آگاه کنند، وقت خود را به مسائل فرعی و جانبی و بیشتر به مسائل اختلاف بر انگیز و زنده کردن تعصبات و دشمنیها و بدبینیها که از پیشینیان برای ما به جای مانده، صرف می کنند، عیناً مانند کسی که نماز نخواند اما در باره شکیات نماز، شب و روز خود را بگذرانند و داد سخن بدهد، یا فروع علم اجمالی را بر اصول معلومات تفصیلی و مسلمات قطعی دین ترجیح دهد.

اما دسته دوم، یعنی حاکمان و دولتمردان مسلمان که حالشان معلوم است، غالباً سر در آخور خویش دارند و به فکر جاه و جلال خود هستند، اگر دنیای اسلام را آب ببرد آنان را همچنان خواب می برد. متأسفانه بسیاری از آنان، از اسلام چیزی نمی دانند، و برای اسلام، در برنامه های حکومتی خود جایی باز نکرده اند، نه تنها مردم را در جریان حوادث اسلامی نمی گذارند که عمداً از نشر حوادث احساسات بر انگیز جلوگیری هم می کنند.

شما فکر نکنید حوادث فلسطین و اسرائیل یا کشمیر یا حتی فاجعه بوسنی و هرزگوین و دیگر مسائل جهان اسلام به همین داغی که در ایران و رسانه های گروهی ما مطرح می شود و از زبان رهبری انقلاب و مسؤولان کشور ما شنیده می شود، و از سوی وزارت خارجه ما به جدیت دنبال می گردد، در کشورهای دیگر اسلامی مطرح است. خیر، بسیاری از دولتهای اسلامی تحت فشار ابرقدرت آمریکا و دولتهای استعمارگر و با استفاده از روشنفکران وابسته و مزدور و عالمان درباری و جیره خوار، با مطرح کردن مسائل بی اهمیت دیگر، مردم خود را از این امر مهم یعنی اطلاع از حوادث اسلامی و از اهتمام به امور مسلمین باز می دارند و به این غفلت عمومی کمک می کنند و بر آن اصرار دارند.

مفتی یکی از کشورهای اسلامی به من گفت: می خواستیم برای بوسنی و هرزگوین اعانه جمع کنیم، دولت ما مانع شد. بلی این یک حقیقت است که بسیاری از آن حاکمان،

بیداری مسلمانان را برای تاج و تخت و ریاست و مقام خود خطر جدی می دانند.

این گروه از حکمرانان، بخصوص در وضعیّت فعلی، که مسلمانان جهان با الهام از انقلاب اسلامی ایران و

تأثیرپذیری از دم عیسوی امام، می روند تا بیداری وهشیاری خویش را بازیا بند و خود را بازشناسند همواره با یکدیگر وبا ابرقدرتهای جهان، که از هیمنه و خیزش حرکت اسلام، یا به تعبیر اعراب «صحوه اسلامی» به خود می لرزند، با یکدیگر، پشت درهای بسته به چاره جوئی وتوطئه چینی می نشینند، و چاره از دست رفتن حکومت تدریجی خود را با نهیب جوانان و پیران ومردان و زنان، که هر روز صحنه های خیابانی و اجتماعات پرشور میدانی آن را شاهد هستیم از همقطاران و موالیان خویش می جویند.

بلی این طایفه از دولتمردان وعالمان درباری، آنان که برای جهان اسلام پیشیزی ارزش قائل نبودند و بی اعتنا از کنار حوادث می گذشتند، اینک از خواب غفلت بیدار شده اند ونسبت به امور مسلمین نهایت اهتمام را به خرج می دهند، اما نه به منظور عمل به تکلیف، بلکه به انگیزه جلوگیری از آن و محو آثار بیداری مسلمین وخاموش کردن شعله سوزنده آن.

در این باب هرکس حرفی می زند و چاره ای می اندیشد، اما همه بر خطر آن همداستانند. نام این بیداری را «اصولگرایی اسلامی» گذارده اند و از آن بیم دارند.

در این میان، دولت ثروتمند عربی، که خود را قطب جهان اسلام می پندارد و از یک نوع اسلام بی خاصیت و به قول خودشان عاری از شاخ و برگها و بدعتها دم می زند وبه قول امام راحل «اسلام امریکائی» را تبلیغ می کند، پرچمدار مبارزه با اصولگرایی اسلامی یا «ناب محمدی» شده است و دائماً در سراسر جهان اسلام و حتی در جوامع غربی، اسلام خود را «اسلام راستین» معرفی می کند و راه مبارزه با اصولگرایی را رواج همان اسلام بی رنگ وبوئی که پرچمش را بدوش می کشد میداند.

—(167)—

در اخبار آمده بود که دبیر کل «رابطة العالم الاسلامی» مکه در یکی از کنفرانسهای به اصطلاح اسلامی گفته بود: راه جلوگیری از اصولگرایی اسلامی، همانا نشر وهابیت است. چنین حرفی از چنان مقامی در حقیقت معرّف «رابطة العالم الاسلامی» است که این رابطه نه برای بیداری و وهشیاری مسلمانها است بلکه برای خواب کردن وایجاد رابطه میان مسلمانان و دولتهای اسلامی بی درد و بی اعتنا به مسائل مسلمین است تا با جهت صف آراییی در برابر مسلمانان بیدار و بپاخاسته همداستان شوند.

نتیجه بحث:

در جهان اسلام، هم اکنون دو وصف در قبال هم قرار دارند: صف مسلمانان دردمند، انقلابی، اصلاح طلب، آگاه، عامل به وظیفه «اهتمام به امور مسلمین» و طرفدار اطلاع از وضع مسلمانها و افشاگری توطئه ها، وصف مسلمانان بی درد، بی خاصیت، رفاه طلب و نا آگاه و طرفدار عدم بیداری مسلمین و بی خبری از توطئه هائی که مستکبران برای اسلام تدارک می بینند.

حال، اگر این دو صف را از هم بازشناسیم ناچاریم اعتراف کنیم که پرچمدار اسلام انقلابی و طالب بیداری و هشیاری مسلمین، همانا جمهوری اسلامی ایران و رهبر هشیار آن است. اینک ایران اسلامی، برای مسلمانان دنیا الگو است و بدون این که در امور کشورهای دیگر دخالت کند رسالت بیدار کردن مسلمانان را به عهده گرفته است.

در حالی که پرچمدار اسلام آمریکائی همان دولتمردان نفتی مرفه و بی دردند که مرام خواب آور و بی خاصیت و هابیت را رواج می دهند، و در هر قیام و حرکت اسلامی در شرق و غرب جهان اسلام و جهان کفر، رد پای آنان با دلارهای نفتی خود، در کنار ابرقدرت آمریکا و در صف مقابل ایستاده و می کوشند تا صف اول را شکست بدهند.

اما قرآن به ما نوید می دهد که در این تلاش ناکام خواهند بود:

—(168)—

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُواْ نُورَ اللّٰهِ بِأَفْوََاهِهِمْ وَيَتَابَعُواْ اللّٰهَ الْأَنَ يُتِمُّ
نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (1).

اینک این وظیفه مسلمانان آگاه است که از صف خود دفاع کنند و توطئه های صف رقیب را خنثی سازند تا پیروز گردند. ان شاء الله.